

بسمه تعالی

چالشهای حسابداری اسلامی در ایران

دکتر موسی بزرگ اصل

چالشهای حسابداری اسلامی در ایران

مقدمه

در محافل دانشگاهی و مراجع حرفه‌ای کشورهای مسلمان مدتی است که بحث حسابداری اسلامی مطرح و در این زمینه سمینارهایی نیز برگزار شده است. گروهی از حسابداران مسلمان معتقدند بنابه ملاحظات جهان بینی اسلامی و غربی، حسابداری سنتی که مبتنی بر جهان بینی غربی است نمی‌تواند پاسخگوی تأمین نیازهای گزارشگری مالی در کشورهای اسلامی باشد. لذا حسابداران مسلمان باید در کشورهای اسلامی تعریفی از حسابداری اسلامی ارائه کنند و با تبیین اهداف و خصوصیات حسابداری اسلامی، الزامات گزارشگری را روشن کنند. در این زمینه تحقیقاتی انجام شده است که نتایج آنها همه در یک جهت نمی‌باشد.

گروه دیگری از حسابداران مسلمان اصرار دارند که حسابداری اسلامی یا غربی ندارد، اگر حسابداری اسلامی مطرح شود قاعداً حسابداری مسیحی یا حسابداری یهودی هم می‌تواند مصداق داشته باشد. جان کلام مخالفان حسابداری اسلامی این است که حسابداری، حسابداری است. در این مقاله تلاش بر این است که این دیدگاهها در چارچوب شرایط محیطی ایران بررسی شود و نهایتاً تحلیلی از دید نگارنده ارائه گردد.

حسابداری اسلامی در سطح نظری

شاید آنچه که به‌عنوان تفاوت بنیادی محیطی قابل طرح است حضور دین در زندگی فردی و تجزیه آن از مسائل اجتماعی است. در کشورهای اسلامی نقش تعالیم اسلامی در زندگی جمعی پررنگ می‌باشد و در قوانین و مقررات حکومت‌داری، قرآن و سنت در نظر گرفته می‌شود.

بعضی از صاحب‌نظران مبانی اقتصاد اسلامی را با اقتصاد غربی کاملاً متفاوت می‌دانند (Taheri, 1999; Rahman, 1999, Baydoun and Willet, 2000). در اسلام انسان امانت‌دار است. در صورتی که در غرب انسان مالک نهایی شناخته می‌شود. لذا پاسخگویی نهایی مسلمان از نظر مسائل مالی در برابر خداوند است و چنین پاسخگویی از طریق زکات و خمس در عمل پیاده می‌شود.

چالشهای حسابداری اسلامی در ایران

در غرب حداکثرسازی سود، فردگرایی، منافع شخصی زیربنای حرکت‌های اقتصادی است اما یک‌مسلمان پایبند به ارزشهای اسلامی در پی سود معقول، منافع جمعی و انصاف و عدالت است. در اسلام بعضی از معاملات رایج در غرب مانند ربا، قمار، تجارت مشروبات الکلی عملی حرام است و ممنوع است. بعضی از رهبران دینی معتقدند، فعالیت‌های اقتصادی در اسلام بر دو ستون اخلاقی عدالت و احسان استوار است. بنابراین تجارت اسلامی باید برپایه این ارزشها انجام شود. (Yaya and Hameed, 2004).

این تفاوتها محرک اصلی حسابداران مسلمان برای ارائه یک تعریف و الگو برای حسابداری اسلامی می‌باشد.

زید (Zaid, 1997) حسابداری اسلامی را به شرح زیر تعریف کرده است :

حسابداری فرایند منظم ثبت معاملات مشروع در دفاتر و اندازه‌گیری نتایج مالی بر مبنای این معاملات به منظور استفاده در تصمیم‌گیری است.

در اینجا تنها تفاوت اصلی آن با تعریف حسابداری سنتی اضافه کردن واژه " مشروع " است. به نظر نمی‌رسد با اضافه کردن این واژه بتوان حسابداری سنتی را به حسابداری اسلامی تغییر داد. این موضوع در کشور ما که تمام قوانین از جمله قوانین حاکم بر تجارت توسط شورای نگهبان از نظر انطباق با شرع بررسی می‌شود بیشتر زیر سؤال می‌رود، زیرا بنا بر مشروع بودن معاملات است.

افزون بر این، حسابداری باید تمام معاملات را ثبت و گزارش کند. حتی اگر برخلاف شرع، معامله غیرمشروع انجام شود حسابداری ناگزیر به ثبت واقیعت است و نمی‌توان به دلیل غیرمشروع بودن از گزارش آن خودداری کرد.

الخدش علاوه بر مشروعیت، مسئله زکات را در تعریف حسابداری اسلامی گنجانده است (AL-Khadash, 2001).

حسابداری اسلامی عبارت است از فرایند شناسایی، اندازه‌گیری و گزارشگری مشروعیت فعالیت‌های مالی که برای تصمیم‌گیری، محاسبه زکات و محاسبه سود واقعی عملیات سرمایه‌گذاری اسلامی براساس دستورات اسلام، مفید باشد.

چالشهای حسابداری اسلامی در ایران

تعاریف دیگری نیز غیر از این وجود دارد. در اینجا به جز بحث مشروعیت، مسئله زکات اضافه شده است. یکی از مسائلی که در کشورهای اسلامی در مذهب سنی مورد توجه جدی است اندازه‌گیری عناصر صورتهای مالی برای محاسبه زکات است. این موضوع در حوزه بانکداری اسلامی بعضاً نیز پیاده شده است. یعنی زکات به عنوان آخرین رقم سود و زیان گزارش می‌شود. محاسبه زکات باید مبتنی بر ارزشهای جاری داراییها باشد.

در مذهب شیعه زکات به کالاهای معدودی (شتر، گاو، گوسفند، خرما، جو، کشمش، طلا و نقره) تعلق می‌گیرد، اما به منفعت کسب به‌طور عام تعلق نمی‌گیرد. لذا نمی‌توان در ایران مسئله زکات را به‌عنوان یک عامل مهم در تعریف حسابداری اسلامی بیان کرد. حوزه گزارشگری مالی اساساً مربوط به شرکتها و دیگر شخصیتهایی است که محاسبه زکات برای آنها مورد ندارد. در مذهب شیعه خمس به منفعت کسب تعلق می‌گیرد اما خمس هم اساساً در حوزه فردی است و انتقال آن یا پرداخت آن توسط شخصیت حقوقی یا شرکت تاکنون مطرح نشده است.

اهداف حسابداری اسلامی

محاسبه زکات

بعضی از محققین محاسبه زکات را به‌عنوان هدف اصلی در حسابداری اسلامی بیان کرده‌اند (Gambling and Karim, 1991; Baydoun and Willet, 1994). اگر زکات به‌عنوان هدف اصلی قرار گیرد هر شخص از فریبکاری یا ظاهرآرایی ناخواسته پرهیز می‌کند زیرا همیشه خدا را ناظر بر اعمال خود می‌بیند.

در نتیجه اطلاعات حسابداری به‌طور غیرمستقیم هم پاسخگوی نیازهای استفاده‌کنندگان است و هم پاسخگوی مسئولیت اجتماعی (Adnan and Gaffikin, 1997).

طرفداران این رویکرد معتقدند حداکثرسازی زکات باید جایگزین حداکثرسازی سود شود. چنین روشی افراد را در تعقیب حداکثرسازی سود به‌نفع توجه به مسائل اجتماعی و انسانی تعدیل می‌کند.

نارسایی این دیدگاه این است که تمرکز بر زکات، موجب محدود شدن حوزه گزارشگری مالی می‌شود و لازم است اهداف گسترده‌تری در نظر گرفته شود. همان‌گونه که قبلاً عنوان شد،

چالشهای حسابداری اسلامی در ایران

محدودیت موارد مشمول زکات در مذهب شیعه عملاً ناقض قرار دادن محاسبه زکات به عنوان یک هدف اصلی در گزارشگری مالی است.

نکته دیگری که در مورد زکات وجود دارد این است که مفاهیم نظری در حسابداری برای گزارشگری مالی با مقاصد عمومی است. اگر هدف را به زکات محدود کنیم مثل این است که در حسابداری کنونی هدف را محاسبه مالیات بدانیم. چنین رویکردی در حسابداری مالی مردود است.

تضاد دیگری که این رویکرد گرفتار آن است بحث جایگزینی حداکثرسازی زکات به جای حداکثرسازی سود است. معمولاً زکات در کشورهای اسلامی ذیربط تابعی از افزایش داراییها (شامل درآمد و سود) است و نرخ آن در حدود ۲/۵ درصد خالص داراییهاست. در استاندارد حسابداری شماره ۹ سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی نحوه محاسبه زکات تشریح شده است (جدول ۱).

لذا زکات زمانی حداکثر می شود که سود حداکثر شود. ضمن اینکه اگر حداکثرسازی سود در چارچوب شرع باشد چه ایرادی دارد؟ حداکثرسازی سود خود انگیزه‌ای برای افزایش کارایی است و در جوامع مسلمان باید افزایش کارایی برای استفاده بهتر از منابع اقتصادی محدود تشویق شود تا جامعه اسلامی از دام فقر رها شود.

پاسخگویی اسلامی

هدف پاسخگویی اسلامی متکی به مفهوم خلافت است. انسان خلیفه الله است و امانت بزرگی به او سپرده شده است که هیچ مخلوقی یارای پذیرش آن را نداشته است. براساس این مفاهیم انسان نهایتاً در برابر پروردگار باید پاسخگو باشد، لذا هم باید به حق الله و هم به حق الناس توجه داشته باشد. نحوه پاسخگویی انسان در برابر خدا در قرآن و سنت مشخص شده است. پاسخگویی ثانویه از قرارداد بین سرمایه‌گذار و مدیر ایجاد می شود.

یک شرکت برای ایفای مسئولیت پاسخگویی اولیه و ثانویه، باید فعالیتهای مربوط به موضوعات اسلامی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی را شناسایی، اندازه‌گیری و گزارش کند. در این نوع پاسخگویی اهداف ثانویه دیگری مانند رعایت شریعت، محاسبه و توزیع زکات، توزیع عادلانه

چالشهای حسابداری اسلامی در ایران

ثروت را نیز تعریف شده است و شرکتها تشویق می‌شوند در حل مشکلات امت اسلامی مشارکت کنند (Yaya and Hameed, 2004).

این نگاه به اهداف حسابداری اسلامی حوزه‌ای گسترده‌تر از زکات را دربر می‌گیرد و نکته اساسی که در آن نمایان می‌شود توجه بیشتر به مسائل اجتماعی و حسابداری اجتماعی است. اما باید توجه داشت در بعضی از کشورهای غیرمسلمان نیز چنین مسائلی البته نه از دید خلیفه‌الله بودن انسان ولی از نگاههای دیگر مطرح می‌شود.

اگر در کشورهای مسلمان، صاحبان سرمایه عملاً پایبند به شرع باشند و خواستار افشای موارد مغایر شرع باشند، چنین خواستی بدون نیاز به اضافه کردن واژه "اسلامی" میسر است.

چالشهای حسابداری اسلامی در ایران

تعیین مبنای زکات

براساس استاندارد حسابداری مالی شماره ۹ : زکات

ریال	ریال	روش خالص داراییها داراییهای مشمول زکات
	۲۰۴،۵۵۴،۳۹۲	وجه نقد و معادل وجه نقد
	۴۲۸،۲۳۴،۲۱۶	حسابهای دریافتی (خالص)
	۲۰،۰۰۰،۰۰۰	تأمین مالی مضاربه
	۳۰،۰۰۰،۰۰۰	تأمین مالی مشارکت
	۲۰،۰۰۰،۰۰۰	استثنا
	۱۵،۸۱۴،۱۳۰	موجودی کالا
	۱۸۰،۵۴۲،۲۲۹	اوراق بهادار قابل خرید و فروش
	۱۶،۳۳۰،۶۵۹	املاک تجاری
	۴۵،۰۰۰،۰۰۰	سایر سرمایه‌گذاریهای تجاری
۹۶۰،۴۷۵،۶۲۶		جمع
		کسر می‌شود:
		بدهیها
	۲۱،۱۳۰،۷۲۷	حسابهای جاری
	۴۹،۵۶۱،۰۹۴	حسابهای پرداختی
	۵۳،۱۸۵،۰۵۴	سایر بدهیها
	۴،۰۰۰،۰۰۰	حقوق متعلق به دولت و اوقاف
	۲۰،۰۰۰،۰۰۰	حقوق اقلیت
		حقوق دارندگان حسابهای سرمایه‌گذاری
	۶۸۴،۵۰۴،۷۱۶	محدود نشده
۸۳۲،۳۸۱،۵۹۱)		جمع
۲۸،۰۹۴،۰۳۵		مبنای زکات
۳،۳۰۱،۶۲۴	۱۲۸،۰۹۴،۰۳۵	زکات دوره مالی ۲/۵۷۷۵٪ = ۳،۳۰۱،۶۲۴

هیئت استانداردهای حسابداری آمریکا (FASB) به‌عنوان پیشرو تدوین مفاهیم نظری اقرار کرده است که این مفاهیم برای محیط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آمریکا تدوین شده است. بنابراین شرایط محیطی بر حسابداری مؤثر است. در یک کشور مسلمان اگر محیط اقتصادی مبتنی بر رعایت ارزشهای اسلامی باشد قاعدتاً چنین محیطی برگزارشگری مالی مؤثر خواهد بود. اما نیازی نیست که برای انعکاس این نیاز واژه "اسلامی" را به حسابداری بیفزاییم. زیرا کار حسابداری مالی ارائه اطلاعات است و این اطلاعات براساس نیازهای استفاده‌کنندگان تعریف می‌شود. البته اگر منظور از حسابداری اسلامی این باشد شاید اختلافها بیشتر برسرنام باشد. آن‌گونه که شاعر بزرگ مولوی می‌فرماید:

چون به معنی رفت آرام اوفتاد

اختلاف خلق از نام اوفتاد

سودمندی برای تصمیم‌گیری

سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی در بیانیه شماره ۱، اهداف حسابداری مالی بانکها و مؤسسات مالی اسلامی، هدف اصلی حسابداری مالی را ارائه اطلاعات برای کمک به تصمیم‌گیرهای استفاده‌کنندگان تعریف کرده است.

در این بیانیه آمده است آنهایی که با بانکهای اسلامی سر و کار دارند در درجه اول به اطاعت و رضایت خدا در معاملات اهمیت می‌دهند.

اهداف حسابداری مالی برای سایر بانکها، اکثراً در کشورهای غیراسلامی تعریف شده است. بنابراین طبیعی است که تفاوت‌هایی بین اهداف تعیین شده برای بانکهای اسلامی با اهداف تعیین شده برای سایر بانکها وجود داشته باشد (سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی، ۱۹۹۹).

این سازمان برای تعیین اهداف از دو رویکرد استفاده کرد:

الف. تعیین اهداف بر مبنای اصول و روشهای اسلام و سپس بررسی این اهداف با توجه به مبانی نظری موجود.

ب. شروع کار از مبانی نظری موجود و تطبیق آن با شریعت اسلام.

رویکرد اول را یکی از علمای شریعت انجام داده است و رویکرد دوم توسط یک متخصص حسابداری. نهایتاً تعریف اهداف براساس رویکرد دوم پذیرفته شد.

طبق این بیانیه، هدف گزارشگری مالی ارائه اطلاعات زیر است :

- ۱) اطلاعات مربوط به رعایت شریعت توسط بانکها،
- ۲) اطلاعات مربوط به منابع اقتصادی و تعهدات و آثار رویدادها،
- ۳) اطلاعات لازم برای تعیین زکات،
- ۴) اطلاعات لازم برای برآورد جریانهای نقدی، زمان و خطرات تحقق آن.
- ۵) اطلاعات لازم برای ارزیابی مسئولیتهای امانی بانکها برای حفاظت منابع و سرمایه گذاریهای آن، و
- ۶) اطلاعات مربوط به ایفای مسئولیت اجتماعی توسط بانک.

بعضی از صاحب نظران معتقدند چارچوب نظری سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی بیشتر هم جهت با حسابداری سنتی است، اگرچه در اهداف آن جوهره اسلامی مشاهده می شود. در دیدگاه سنتی، اطلاعات مربوط برای استفاده کنندگان، اطلاعات راجع به وضعیت مالی و عملکرد مالی است. عملکرد مالی هم در قالب سود اندازه گیری می شود. سود بیشتر معیاری از موفقیت بیشتر است (Yaya and Hameed, 2002).

شاید از این جهت بعضی از صاحب نظران، اهداف حسابداری سنتی را برای حسابداری اسلامی نامناسب بدانند، چون معتقدند در اسلام باید در پی سود معقول بود.

تمام اهدافی که در اینجا بررسی شد به نوعی از حسابداری معاصر گرفته شده است. ماهیت اصلی بحث این است که در کشورهای مسلمان، اطلاعات مورد نیاز استفاده کنندگان متفاوت است و استفاده کنندگان در مورد مسائلی مانند رعایت شریعت و محاسبه زکات خواهان اطلاعات هستند. بنابه دلایل زیر نیازی نیست که برای انعکاس این تفاوتها، حسابداری را به حسابداری اسلامی تغییر دهیم :

- ۱) هدف حسابداری مالی تأمین نیازهای اطلاعاتی افراد برون سازمانی است و این نیازها تا حدودی تابع محیط است. بنابراین مسائل محیطی بر حسابداری مؤثر است و اگر

درجایی علاوه بر اطلاعات معمول در سطح بین الملل، اطلاعات دیگری هم مورد نیاز باشد، می توان آن را ارائه کرد.

(۲) در اکثر کشورهای اسلامی بنگاه داری و تجارت همانند دیگر کشورها انجام می شود و در موارد زیادی اصول تجارت باهم یکسان می باشد. اهداف حسابداری هم باید همه بنگاهها را پوشش دهد.

(۳) دنبال کردن هدف سود حداکثر اگر در چارچوب شرع باشد برای یک مسلمان امر نامشروعی نیست. در عمل هم به نظر نمی رسد انگیزه کسب سود یک مسلمان با غیرمسلمان متفاوت باشد.

(۴) در مورد معاملاتی که ویژه مسلمانان است می تواند استاندارد خاص برای تکمیل استانداردهای رایج تدوین کرد، مانند استانداردهای مربوط به عقود اسلامی.

(۵) تأکید بر زکات اولاً دامنه کاربرد را محدود می کند و ثانیاً در کشور ما به دلیل محدود بودن موارد مشمول زکات، مناسب نیست.

(۶) اهداف حسابداری را هم می توان بر پایه سودمندی برای تصمیم گیری و هم بر اساس پاسخگویی تدوین کرد. در موارد زیادی ممکن است اطلاعات مورد نیاز برای تصمیم گیری برای پاسخگویی هم مناسب باشد. چون اطلاعات هم برای تصمیم گیری مورد نیاز است و هم پاسخگویی، در مفاهیم نظری باید هر دو پوشش داده شود. لذا تأکید صرف بر پاسخگویی یا پاسخگویی اسلامی در محیط تجارت کنونی جوابگو نیست.

لذا حسابداری باید همان حسابداری بماند و نیازی نیست واژه " اسلامی " را به آن اضافه کنیم. اما باید به مسائل محیطی در کشورهای مسلمان توجه شود. مثلاً حسابداری معاملات اسلامی می تواند مطرح شود. سازمان حسابداری و حسابرسی، برای عقود اسلامی، استاندارد حسابداری تدوین کرده است. زیرا استانداردهای بین المللی در این زمینه کافی نیست. دبیرکل پیشین این سازمان اعتقاد دارد که این استانداردها مکمل استانداردهای بین المللی است، نه اینکه تافته جدا بافته (Abdel Karim, 2004).

مبانی اندازه‌گیری

هم‌اکنون در گزارشگری مالی عملاً از نظام مرکب اندازه‌گیری استفاده می‌شود. در بعضی موارد اندازه‌گیریها مبتنی بر بهای تمام شده تاریخی و در موارد دیگر مبتنی بر ارزشهای جاری است.

انتخاب از میان نظام بهای تمام شده تاریخی و ارزشهای جاری نوعی مصالحه بین خصوصیات کیفی مربوط بودن و قابل اتکا بودن است. در این انتخاب یکی از این دو با توجه به شرایط موجود و بویژه فراهم بودن ارزشهای جاری قابل اتکا ترجیح داده می‌شود. علاوه بر این، در این تصمیم‌گیری هزینه دستیابی به ارزشهای جاری باید با منافع آن مقایسه گردد (کمیته فنی سازمان حسابرسی، ۱۳۸۱).

در مفاهیم نظری گزارشگری مالی نتیجه‌گیری شده است که در اندازه‌گیری عناصر صورتهای مالی، نظام مبتنی بر بهای تمام شده تاریخی ملاک عمل قرار خواهد گرفت و از ارزشهای جاری نیز تا میزانی که با خصوصیات اتکاپذیری و ملاحظات منفعت و هزینه سازگار است، در تعدیل این نظام استفاده خواهد شد. (کمیته فنی سازمان حسابرسی، ۱۳۸۱).

بعضی از پیروان دیدگاه حسابداری اسلامی برای جهت‌گیری در زمینه تعیین مبانی اندازه‌گیری، زکات را به‌عنوان راهنمای اصلی انتخاب کرده است. دلایل انتخاب زکات برای تعیین مبانی اندازه‌گیری به شرح زیر است (Yaya and Hameed, 2004):

- ۱) در اسلام زکات مفهومی است که مستقیماً با اندازه‌گیری داراییها سر و کار دارد. در قرآن و سنت رهنمودهایی در مورد زمان و روش محاسبه زکات وجود دارد.
- ۲) در بسیاری از آیات قرآن، بلافاصله پس از دستور نماز، زکات بر مسلمانان واجب شده است و زکات یکی از ستونهای اصلی اسلام است. بنابراین مسلمانان برای ایفای این تکلیف باید ابزارهای لازم (شامل حسابداری) را بکار گیرند.
- ۳) توسعه حسابداری در دولتهای اولیه اسلامی با زکات رابطه مستقیم دارد. در آن زمان، دولت اسلامی دفاتر و گزارشهای حسابداری را برای تعیین زکات و پاسخگویی در مورد آن، تهیه کرده است.

دیدگاه غالب در تعیین زکات، استفاده از قیمت فروش در زمان ایجاد تعهد زکات است. لذا سازمانهای تجاری اسلامی باید از بهای جاری نه بهای تمام شده تاریخی استفاده کنند (Hamitha and Hudaib, 2001; Baydoun and willet, 1997, 2000).

بهای تمام شده تاریخی برخلاف روش ارزش جاری هیچ پایه قابل دفاعی در شریعت ندارد. بنابراین در اندازه‌گیری باید از ارزشهای جاری استفاده شود. استفاده از بهای تمام شده تاریخی می‌تواند موجب تحریف اصل افشای واقعیت شود. واقعیت، ارزش جاری است و باید افشا شود. در شرایط تورمی، بکارگیری بهای تمام شده تاریخی موجب دوری از واقعیت می‌شود (Yaya and Hameed, 2004).

در کشور ما به دلیل تورم شدید در سالهای گذشته ارقام بهای تمام شده تاریخی با ارزشهای جاری فاصله زیادی گرفته است و مربوط بودن صورتهای مالی را زیر سؤال برده است. به همین دلیل در استانداردهایی مانند استاندارد حسابداری شماره ۱۱ تجدید ارزیابی داراییهای ثابت مشهود مجاز شده است. شرایط تورمی در هر کشوری که باشد اعم از مسلمان یا غیرمسلمان، ارقام مبتنی بر بهای تمام شده تاریخی را از مفهوم اقتصادی تهی می‌سازد. افزون‌براین، همان‌گونه که قبلاً ذکر شد موارد مشمول زکات در مذهب شیعه محدود است و نمی‌تواند به‌عنوان پایه‌ای برای اندازه‌گیری در گزارشگری باشد که دامنه آن بسیار گسترده است. بنابراین، در کشور ما نمی‌توان بر پایه زکات، نظام اندازه‌گیری ارزشهای جاری را برنظام بهای تمام شده تاریخی ترجیح داد.

نتیجه‌گیری

موضوعی که هم‌اکنون با عنوان حسابداری اسلامی مطرح می‌شود بسیار جوان است و از مبانی استدلال قوی برخوردار نیست. اگر حسابداری را علم بدانیم مانند علوم دیگر خواهد بود و نمی‌توان به آن یک واژه "ارزشی" اضافه کرد. وظیفه حسابداری مالی اطلاع‌رسانی متناسب با نیاز استفاده‌کنندگان است. نیاز استفاده‌کننده خود نیز تابع محیط است. اگر در کشورهای مسلمان، از قوانین قرآنی در عمل و بی‌ریا پیروی شود، حسابداری مالی هم از این امر متأثر می‌شود اما نیازی نیست که اسم آن را تغییر دهیم. اگر چنین شد باید منتظر شنیدن حسابداری یهودی هم باشیم. اما حسابداری معاملات اسلامی بامعنی است، مثل حسابداری عقود اسلامی

مشارکت و مضاربه. بعضی از این معاملات در بانکداری اسلامی انجام می‌شود و نیاز به الزامات خاص هم دارد.

باتوجه به جوان بودن این دیدگاه، لازم است تحقیقات درمورد مبانی نظری مبتنی بر شرایط محیطی کشورهای اسلامی ادامه یابد و مباحثی که مطرح می‌شود باید فارغ از تعصبات مذهبی و افراط‌گرایی باشد. اگر هم بحثی با عنوان حسابداری اسلامی مطرح می‌شود باید به محتوای آن بحث توجه شود و اندیشمندان مسلمان باتوجه به تمام مذاهب اسلامی دیدگاههای خود را ارزیابی و عرضه کنند.

منابع :

- ۱ - سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی. ۱۹۹۹. *استانداردهای حسابداری مؤسسات مالی اسلامی*. سازمان حسابرسی (نشریه ۱۶۴)، ترجمه علی اکبر جابری.
- ۲ - کمیته فنی سازمان حسابرسی. ۱۳۸۱. *استانداردهای حسابداری*. سازمان حسابرسی.
- 3 - Valayvtham, S. 2004. Islamic Accounting and Conventiand Accounting: Incompatible or Complimentany: Conference Paper.
- 4 - Yaya, R and S. Hameed. 2004. *Objectives and Characteristics of Islamic Accounting: Perceptions of Muslim Accounting Academicians in Yogyakarta, Indonesia*. Conference paper.
- 5- Baydoun, N. and Willet, R. 2000. Islamic Corporate reports *Abacus*. 36(1): 21-91.
- 6- Zaid, O. A. 1997. Accounting books and reports in the Islamic State *proceedings of the International conference 1: Accounting Commerce and Finance: The Islamic Perspective*. Sydney, Australia.
- 7- Taheri, M. 1999. *The basic principles of Islamic Economy and their Effects on Accounting Standard Setting*. [www. islamic-finance.net](http://www.islamic-finance.net)
- 8- Adnan, M. and M.J.R. Gaffikin. 1997. The Shari'ah, Islamic Banks and Accounting Concepts and Practices. Proceedings of the First International Conference an Accounting, Commerce and Finance Islamic Perspective.